



۲۰۱۷/۰۵/۰۳



حمید انوری

"شیخی به زنی ..."

عجب دور و زمانه ای است. دزد هم خدا خدا میگوید و صاحب خانه هم. در این محنتکده درد آباد، در این سرزمین جنگزده و در این مرز و بوم بیداد، در این گوشه دنجی که روزی روزگاری گویا پشه هم سر نمی زد، امروزه روز میدان تاخت و تاز نیمی از دنیا ساخته اند.

سرزمین افغانستان، این خطه زیبا و باستانی را چنان پامال یک مشت افراد ابله جار، از خود راضی و از خلق خدا ناراضی ساخته اند که هر کس و ناکسی دعوی میراث پدری دارد و دیرزمانیست که بین خود تقسیم و ترکه کرده اند و هر یک دیگری را نوکر اجنبی میخواند، بدون اینکه حتی یک لحظه هم نظری بر حال و احوال و اصلیت و ماهیت خود بکنند.

شاعر چه زیبا و رسا و صاف و ساده اینهمه کور خود و بینای مردم بودن را در رباعی ذیل بیان داشته است:

شیخی به زنی فاحشه گفتا مستی هر لحظه به دام دگری پا بستی
گفت شیخا هر آنچه گویی هستم اما تو چنان که مینمایی هستی؟

با این مقدمه کوتاه نظری می اندازیم به خطاب آن "شیخ" تازه وارد به طالبان جهل و چند و چون قضیه:

حکمتیار: طالبان خواب حکومتداری را از راه زور نبینند، بدون صلح دیگر راه موجود نیست
کابل (پژواک ۸ ثور ۹۶): گلبدین حکمتیار امیرحزب اسلامی میگوید، هیچ کس نمیتواند بالای افغانها با زور حکومت نماید .

بعد از قریب چهل سال این امیر نا امیر تازه از خواب زمستانی بیدار گردیده است، کاش لااقل در همان زمانهای نه چندان دور (۱۹۹۲-۱۹۹۶)، همان هنگامیکه کابل زیبا را زیر باران راکت های کور اهدائی پاکستان به خاک و خون کشید، بیدار می شد و خون های پاک بیشتر از ۶۵۰۰۰ هموطنان بی گناه و بی دفاع و شریف ما بر زمین نمی ریخت و از کشته ها پشته ها نمی ساخت.

حکمتیار این مطلب را امروز در صحبت هایش در مقام ولایت ننگرهار در دیدار با اعضای حزب اسلامی و بزرگان قوم بریاست گلاب منگل والی ننگرهار اظهار کرد.

وی افزود، که هر افغان مجاهد و مسلمان که در راه آزادی وطن قربانی داده است، آرزوی بزرگ آنها اینست که جنگ خاتمه یابد و در کشور صلح تامین گردد.

یعنی اینکه گلبدین خان قبلاً نه مسلمان بوده است و نه مجاهد و تازه هم به این و هم به آن مفتخر گردیده است، یعنی که او در حدود چهل سال گذشته نه "افغان مجاهد" بوده است و نه هم "مسلمان"!

حکمتیار گفت: (بیگانگان نمیتوانند برای ما صلح بیاورند، ما باید از طریق مذاکرات بین الافغانی به جنگ موجود نقطه پایان بگذاریم و برای تامین صلح دائمی کار نماییم.)

او دیده به دانسته خود را به کوچۀ حسن چپ میزند و گویا با عقل ناقص خود به چشم مردم خاک می پاشد و سیه را سپید جلوه میدهد، غافل از آنکه مردم گرم و سرد چشیده افغانستان خود سپید و سیه را خوب تشخیص میدهند.

بگفته موصوف ، در کشور باید یک نظام مرکزی قوی مطابق خواست مردم بوجود آید که بر اوضاع حاکم باشد. همان مردم که از کشته های شان پشته ها ساختید؟

همان مردم که برای شان فرصت کفن و دفن عزیزان شانرا ندادید؟

همان مردم که در سگ جنگی های شماها حتی فرصت جمع آوری پارچه های توتۀ های جگر شانرا نیافتند؟ امیرحزب اسلامی در ادامه صحبت هایش گفت: (جنگ راه حل نیست، اگر جنگ به خیرافغانان و اسلام باشد ما جنگ را ادامه میدادیم.)

گلبدین گویا خود را پیغمبر فکر میکند و اوست که تشخیص میدهد در کدام زمان جنگ "به خیر افغانان و اسلام" است و در کدام زمان نیست.

حکمتیار خاطر نشان کرد: (ضرورت به جهاد بود؛ جهاد کردیم، متجاوزین را شکست دادیم، زمان صلح است، افغانان بیشتر از همه به صلح نیاز دارند به همین منظور ما صلح نمودیم.)

آنگاه که ضرورت به جهاد بود، مشغول سوداگری جهاد بودید، فرزندان خود را به کشور های غربی و عربی با پشتاره از دینار و دالر فرستادید و فرزندان مردم را گوشت دم توپ ساخته راهی بهشت نمودید، اگر بهشت منظور نظر بود، چرا از فرزندان خود آنرا دریغ داشتید؟!)

به صلح هم هرگز ایمان ندارید و خوب میدانید که روز برقراری یک صلح عادلانه، شب مرگ همه جنگاوران و جنگجویان و جنگ طلبان و جنایتکاران جنگی است.

موصوف میگوید، که هیچ کس نمیتواند با توصل به زور بالای افغانان حکومت نمایند، اگر طالبان بخواهند با زور بالای افغانان حکومت نماید هیچ زمانی به این آرمان خود نمی رسند.

گلبدین با تجربیات خونین و ننگین خود تازه گویا بیدار گردیده است و تجربه خود را با برداران طالب خود شریک می سازد، اما از توطئه های پشت پرده واضح است که هیچ نمی گوید.

امیرحزب اسلامی علاوه کرد که با جنگ نمیتوان به اهداف خود رسید، طالبان راه صلح را پیش گیرند و از این طریق اهداف شان را به دست بیاورند.

یعنی درست مانند وی عمل کنند که گویا "شد آبی، نشد للمی"!

او خطاب به طالبان گفت: (اگر به راستی دل تان به این ملت درد میکند از جنگ دست بکشید و صلح نمایید.) این درست همان قصه شیخ و زن فاحشه است. اگر جوال دوز را به جان دیگران فرو میکنیم، لاقل سر یک سوزن را در نوک انگشت خود فرو کنیم و بعد قضاوت کنیم، نه اینکه کور خود باشیم و بینای دیگران.

وی افزود : (ما یک نظام مرکزی حاکم می خواهیم ، دل و دلبازی و خودسری نمی خواهیم، نظامی می خواهیم که ملت تحت آن جمع شوند و ممثل ارده ملت باشد.)

یکی را در ده راه نمی دادند، میگفت اسپ مرا در خانه ملک بسته کنید.

بگفته وی ، صلح خواست مشترک همه ماست باید همه برای تامین صلح با اراده کامل کارنمایند. بعد از فرار قشون تجاوزگر سرخ روسی از سرزمین ما و بعد از سقوط و فروپاشی رژیم دست نشانده شان، مردم افغانستان بی صبرانه منتظر برقراری صلح بودند، اما همین گلبدين بود که بالای تقسیم قدرت و برای اینکه خود همه کاره رژیم جدید باشد، با هزار و یک بهانه به جان برادران جهادی خود افتاد و دمار از روزگار مردم و ملت و مملکت به در آورد و امروز تازه از خواب بیدار گردیده است. حکمتیار در پیامی به طالبان گفت ، خونریزی را کنار بگذارید، صلح نمایید و در تمام پروسه ها ی ملی سهم اساسی بگیرید .

این مردک تهی از مغز و تفکر و احساس هنوز از در وارد نشده دعوی مالکیت دارد و از کیسه خلیفه می بخشد. ای داد و بیداد!!!

وی افزود: (اختلاف ما با طالبان این است که آنها با زور حکومت می نمایند و ما این را نمی پذیریم، در دنیا هر قدرتی که در پشت شما قرار داشته باشد نمی توانید بالای افغانها حکومت نمایید و نه کسی این را با شما می پذیرد.)

او اما نگفت که مقصدش از "ما"، کی ها اند، او هنوز وارد معامله با حکومت نشده تلاش دارد با برادران طالب خود وارد معامله شود.

حکمتیار با بیان اینکه کسی که خدا (ج) را قبول دارد، با دار نمی خواهد، افزود: (افغانان حکومت با زور شوروی ها را قبول نکردند و در برابر آنها مبارزه نمودند و نه حال حکومت زور طالبان را می پذیرند، افغانان سرنوشت خود را خود تعیین میکنند.)

گلبدين گویا فراموش کرده است که خودش با حزب تروریستی اش درست مانند دیگر برادران جهادی اش، از چهار سو و شش جهت نوکر گوش به فرمان خارجی ها بوده اند و هستند هنوز.

او فراموش کرده است که در پاکستان زاده شد، نمو کرد و به یک هیولا مبدل گشت که قلاده اش نه تنها در دست پاکستان و ایران و عرب و عجم بود، بلکه آب و نانش را هم سازمانهای جاسوسی امریکا و روس تهیه میکردند.

گفته می شود ورود حکمتیار بی حکمت گویا به پروسه صلح هم با اشاره سازمان جاسوسی پاکستان و تأیید سازمان جاسوسی امریکا بوده است. اینکه برای افغانستان و مردم درد دیده و بلا رسیده آن چه خواب های وحشتناک دیگری دیده اند، گذشت زمان واضح خواهد ساخت.

بگفته موصوف، به اساس هدایت محمد (ص) اگر مردم از ملا امام مسجد راضی نباشند بالای آن ملا امام لعنت می بارد.

کور خود و بینای مردم اما شاخ و دم ندارد و مصداق دقیق آن همین اظهارات موصوف است. مردم افغانستان از گلبدين و امثال شان نه تنها که "راضی" نیستند و نبودند، بلکه چنان از آنها نفرت دارند که سایه شانرا با تیر میزنند و شب و روز به همه شان نفرین میفرستند، پس لااقل گلبدين اینرا خوب میداند که بالای او و امثال او لعنت می بارد.

وی افزود ، جنگ چند دهه گذشته ثابت کرد که افغانان کسانی نیستند که با زور بالای آنها حکومت کرد، اینجا قدرت های بزرگ دنیا که میخواستند با زور حکومت نمایند با شکست مواجه شدند .

وی در اخیر صحبت هایش گفت: (صلح خواست ما و شهیدان ما است، برای رسیدن به این آرمان ما با یکدیگر دست داده ایم .)

همانگونه که در خانه خدا عهد و پیمان بستید و بر قرآن پاک و خانه خدا قسم یاد کردید و فردای آن چنان به جنگ و کشتار شدت بخشیدید که بیشتر از شصت و پنج هزار (۶۵۰۰۰) انسان و بنده خدا را از دم تیغ شقاوت تان کشیدید؟!

شما ها که به خانه خدا و کتاب خدا کوچکترین ارزشی قائل نشدید، چگونه می شود با دست دادن با یکدیگر شما ها اعتماد کرد و آنرا جدی گرفت؟!

از جانب دیگر این فراری خونریز و ویرانگر از راه نا رسیده تلاش دارد داکتر عبدالله را از دور خارج کند، رسانه های اطلاع رسانی داخلی را سانسور نماید، حقوق زنان و آزادی بیان را پامال کند، هیچ ندامتی از کشتار و برپادی که مرتکب شده، ندارد، به دستور او گماشتگانش پوستر های بزرگ او را در کنار عطا محمد نور و اشرف غنی چاپ کرده و در کابل و لغمان و ننگرهار و بلخ نصب کرده اند. "... دفتر عطا محمد نور، والی بلخ و رئیس اجرایی حزب جمعیت اسلامی افغانستان به نصب تصویر مشترک حکمتیار با والی بلخ اعتراض کرده است." و نیز عطا محمد نور میگوید: "... شنیده ام که به گروه حزب اسلامی، سایر سلاح ها و وسایط پیشرفته نظامی نیز داده شده، که باعث صدمه به روند جاری صلح خواهد شد."

در کابل اما سرنوشت پوستر های این وجدان باخته و جواب مردم شریف کابل به این بدعت پاره کردن آن پوستر ها بوده است.

دو بدعت دیگر را نیز این حزب منفور و مطرود در نخستین روز های "تشریف آوری" رهبر شان، البته به دستور رهبر خود مرتکب شده اند.



یکی اینکه در هر جا که عکس عبدالله بوده است برداشته و حذف کرده اند و دیگر هم اینکه در ننگرهار عکس رهبر شانرا در کنار عکس زنده یاد "غازی امان الله خان" فقید، رهبر محبوب القلوب و ناجی استقلال افغانستان نصب کرده اند که این عمل

سختی شان نه تنها توهین بزرگ به جاودان یاد "غازی امان الله خان" محصل استقلال افغانستان است، بلکه توهین به استقلال، آزادی و عدالت نیز بوده و در حقیقت توهین به تمام مردم افغانستان و توهین به تمام غازیان معرکه های افغان- انگلیس است.

این وظیفه حکومت موجوده است تا جلو همچو خودسری ها و لجام گسیختگی ها را با تمام قوت همین اکنون بگیرد، ورنه فردا دیر خواهد بود.

سر چشمه شاید گرفتن به پیل
چو پُر شد نشاید گذشتن به پیل

یار زنده و صحبت باقی...